

نقش سیاسی زنان در انقلاب

سعیده حسین زاده^۱

چکیده

زنان ایران در انقلاب اسلامی نقش بسیار مهمی بر عهده داشتند چنان که سهم داشتن بانوان در انقلاب اسلامی یکی از ویژگی های آنان ها شمرده می شود. در دوران انقلاب زنان در زمینه های مختلفی فعالیت داشته اند که یکی از این زمینه ها، فعالیت ها و ایفای نقش آن ها در سیاست بوده است. در این پژوهش فعالیت های سیاسی زنان در زمینه های جنبش مشروطه، نهضت تنباکو و نیز واکنش های ایشان در برابر کشف حجاب مورد بحث و بررسی قرار گرفته شده است. زنان با ایفای نقش موثر و سازنده در این سه واقعه ی مهم تاریخی، جای پای خود را در فعالیت های اجتماعی و سیاسی محکم نموده و حقانیت خود را بر مردان و مستکبران جهان اثبات نمودند. هدف نگارنده از ارائه ی این پژوهش این بوده است که گامی بسیار کوچک در راه افزودن بر دانش علمی موجود در زمینه ی انقلاب اسلامی برداشته باشد. روش گردآوری مطالب در این مقاله، از طریف فیش برداری از منابع کتابخانه ای بوده است که بر اساس شیوه ی توصیفی - تحلیلی بیان شده است.

کلید واژگان:

انقلاب، انقلاب اسلامی، سیاست، سیاسی، زنان.

مقدمه

نقش سیاسی زنان در انقلاب یعنی تبیین فعالیت های زنان پیش از انقلاب در زمینه های سیاسی که انجام آن ها به نحوی در پیشبرد انقلاب موثر بوده است.

تاریخچه ی فعالیت ها و جنبش های اجتماعی_ سیاسی زنان ایرانی زیاد طولانی نیست و دست بالا به ابتدای سده ی نوزدهم و عصر قاجار می رسد. نکته ی مهم در زمینه جنبش های زنان ایرانی، پیوند بسیار نزدیک آن ها با نبردها و کشمکش های فراگیر ملی، علیه استعمار داخلی و خارجی می باشد. برای نوشتن این طرح از منابعی استفاده شده است که ازجمله ی آن ها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. کتاب «نقش زنان در انقلاب مشروطه»، نوشته ی معصومه خداحداد لزرجانی که در آن فقط به نقش زنان در مشروطه پرداخته شده است؛ اما در این مقاله به نقش زنان در انقلاب پرداخته شده که انقلاب مشروطه جزئی از آن محسوب می شود.

۲. نقش سیاسی، اجتماعی زنان در تاریخ معاصر ایران، به قلم مرتضی شیرودی، زمزم هدایت، چاپ دوم، زمستان ۱۳۹۱ که در آن به اهمیت حضور و نقش زنان در عرصه های سیاسی و اجتماعی پرداخته شده است اما در این تحقیق موقعیت ها و حضور موثر زنان در انقلاب موردنظر است.

۳. «بررسی مسائل زنان ایرانی از پیش از اسلام تا انقلاب اسلامی از نگاه سفرنامه نویسان خارجی»، به نویسندگی محمد رضا جوادی یگانه ؛ سعیده زادقناد، در مجله علوم اجتماعی پژوهش نامه زنان : بهار و تابستان صص ۲۳ تا ۴۶ که در آن به صورت کلی و خلاصه مسائل مربوط به زنان از قبل از اسلام تا انقلاب اسلامی بررسی شده است اما این پژوهش منحصر به دوره ی انقلاب است.

ضرورت این طرح به نحوی است که مشارکت زنان ایرانی پیش از انقلاب در امور سیاسی را بیشتر نمایان می کند و به تبیین فعالیت های توده ای زنان در صحنه می پردازد.

هدف از نگارش این مقاله، آگاهی خواننده از فداکاری، ایثار و تحمل سختی هایی است که زنان پیش از انقلاب و عصر مشروطه متحمل شده اند تا بتوانند نقش موثری را در انقلاب اسلامی ایفا کنند. حال سوالی که در اینجا مطرح می شود این است که نقش سیاسی زنان در انقلاب چه بوده است؟ که در ادامه بدان پاسخ داده می شود.

انقلاب

(مصدر لازم) برگشتن از حالی به حالی، دگرگون شدن، زیرو رو شدن، واگردیدن، برگشتگی، تغییر و تحول و تبدل، شورش و بی‌آرامی شورش عده‌ای برای واژگون کردن حکومت موجود و ایجاد حکومتی نو.^۱ در اصطلاح رایج جهان «شورش عده‌ای برای واژگون کردن حکومت موجود و ایجاد حکومتی نو». به‌منظور تغییراتی اساسی و بنیادین در تمام نهادها، مناسبات، ساختار سیاسی و اجتماعی و جایگزین سازمان نوین و مطلوب در چهارچوب اهداف و آرمان‌های خاص.^۲

زنان در این دوره بدون آن که تجربه‌ی عملی چندانی در سیاست داشته باشند، به اشکال مختلف در فرآیند انقلاب و شکل‌گیری حرکات انقلابی مشارکت نمودند که برخی از آن‌ها عبارتند از:

الف) نقش زنان در جنبش مشروطه

زنان در جنبش مشروطه نقش موثر و بسزایی را ایفا کردند و دوشادوش مردان در این جنبش گام برداشتند.

ماه رمضان سال ۱۳۲۳ ه. ق را می‌توان آغاز حرکت مردم برای تغییر رژیم استبدادی به مشروطه دانست، زیرا در همین ماه بود که حوادث یکی پس از دیگری، آزادی خواهان را به خیزش واداشت. از طرفی نابسامانی‌های دستگاه حاکمه و بی‌تدبیری رجال و دولت و از سوی دیگر، نادرستی‌های نوژبلژیکی، چوب خوردن مجتهد کرمانی، واقعه عسکر گاریچی و داستان بانک، زمینه‌ای را برای سخنوران و واعظان فراهم کرده بود تا آنان این مسائل را در مجالس با سوز و شور خاصی عنوان نمایند و احساسات مردم را برانگیزانند.^۳

علاوه بر این موارد، حکومت شعاع السلطنه در فارس و ستمگری‌های او بر مردم، سراسر فارس را به طغیان و عصیان واداشته بود. مردم خراسان نیز از ظلم آصف‌الدوله به جان آمده بودند.

آخرین زمینه را بحران اقتصادی اواخر سال ۱۲۸۳ ه. ش وارد آورد. بد بودن محصول در سراسر کشور و رکود ناگهانی تجارت شمال ناشی از شیوع وبا، جنگ روسیه، سبب گرانی یا افزایش سریع قیمت‌های مواد غذایی در داخل ایران شد. طی سه ماهه آخر سال ۱۲۸۳ ه. ش، قیمت قند و شکر تا ۳۳ درصد و قیمت گندم تا ۹۰ درصد در تهران، تبریز، رشت و مشهد افزایش یافت.

۱. معین، فرهنگ معین، ج ۳، ص ۲۶۹.

۲. الویری، دانشنامه جهان اسلام، ج ۶، ص ۵۶۲.

۳. ارشدی، نشریه زنان و شش دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی، و ویژه نامه پیام زن، ص ۷۸-۸۳.

اعتراض مردم در آذر ماه هنگامی روی داد که حاکم تهران علاء الدوله برای پایین آوردن قیمت قند دستور داد دو تن از تجار بزرگ را به فلک ببندند. خبر این بی حرمتی مثل صاعقه در سراسر بازار پیچید. دکان ها و مغازه ها تعطیل شد و مردم به همراه عهده ای از روحانیون در اعتراض به ستم اجتماعی در مسجد شاه بست نشستند. به گفته ی کسروی «بزازان چادر بزرگی آورده و در حیاط مسجد افراشتند و در آوردن ملایان به مسجد، مردان آن ها را همراهی می کردند. در مسجد نیز کسانی از آنان بودند»^۱.

زنان در لحظه لحظه ی این حرکت مهم سیاسی- اجتماعی فعالانه حضور داشتند و هنگامی که مخالفت با دولت آغاز شد و مردم در مسجد شاه بست نشستند، زنان عهده دار مسئولیت های مهمی بودند. آنان ضمن همراهی با مردان و آوردن علما به مسجد برای سخنرانی، عهده دار حفاظت از جان آنان نیز بودند. یکی از این زنان، زن نیرومند و بزن بهادری بود که همه او را به اسم «زن حیدر خان تبریزی» می شناختند. وی از زنان آزادی خواه تهران بود که وظیفه داشت هروقت آقایان روحانی برای سخنرانی بالای منبر می رفتند، چماق زیر چادر خود می گرفت و با عده ای دیگر از زنان چماق به دست که همه از او پیروی می کردند پای منبر می نشستند تا اگر طرفداران استبداد خوستند سر و صدا و هیاهو به راه بیندازند آن ها را ساکت کنند. با توجه به این اقدام، زن حیدر خان تبریزی و گروه زنانی که در اختیار داشت و بنابر شواهد تاریخی کار آنان رفع ظلم و گسترش عدالت بود، هیچ گونه نشانه ای از زورگیری یا باج گیری در کار آن ها دیده نشده است شاید این طور بتوان استنباط کرد، در کنار گروه عیاران و جوانمردان که در هر شهر با مرام پهلوانی وجود داشت.^۲

گروه عیاران و پهلوانان زن نیز فعالیت می کردند اگرچه این اصطلاح و نام را در تاریخ نمی یابیم، اما حرکت انسجام یافته آنان تحت رهبریت یک زن برای دفع ظلم و احقاق حقوق مظلومان انجام می شد؛ خود نشانه ای از حرکت جوانمردانه و پهلوانی بود. آنان شدیداً تحت تاثیر سخنان و فتوای علما بودند. زمانی آنان در صحنه ی فعالیت های اجتماعی و سیاسی بیشتر می بینیم که فرمان یا دستوری از طرف روحانیت صادر شده باشد.^۳

بست نشینان در مسجد شاه از شاه خواستند اولاً هر چه زودتر عدالتخانه دایر شود تا داد ستمدیدگان از ستمگران گرفته شود و کسی را یارای ستم بر دیگران نباشد، ثانیاً عین الدوله از مسند

۱. رستگاری، پژوهشنامه تاریخ مطبوعات ایران، روزنامه نگاری زنان، ص ۵۸۶.

۲. شیروانی، نقش سیاسی اجتماعی زنان در تاریخ معاصر ایران، ص ۱۵۵.

۳. بی آزار شیرازی، مظلومیت زن در طول تاریخ، ص ۴۴.

وزارت برافتد. دولت، بست نشینان را زیاد جدی نمی گرفت، عین الدوله دستور می دهد با بست نشینان به خشونت رفتار کنند و از یاری مردم به آنان جلوگیری نمایند. او که نقش موثر زنان را در برپا داشتن و ادامه بست نشینی آگاهی داشت قبل از هر چیز فرمان می دهد که از بیرون آمدن زنان جلوگیری شود و هر که از ایشان را دیدند بگیرند و در قراولخانه نگه دارند. به گفته ی حاج سیاح در این روزها زنان بیشتری دستگیر و زندانی شدند و در زندان های دولتی از زنان مبارز کم نبود. زن های مسلمة را حبس می کردند و کسی نمی پرسد تقصیرشان چه بوده است؟^۱

با توجه به بی اعتنایی به خواسته های بست نشینان و اقدامات ضد اخلاقی عین الدوله، علما و انقلابیون راهپیمایی با شکوهی را ترتیب دادند. عین الدوله به سربازان دستور می دهد به هر نحوی جلوی راهپیمایی را بگیرند و سربازان به سوی راهپیمایان شلیک کنند. راهپیمایان با دست خالی به طرف سربازان حمله ور می شدند، جنگ مغلوبه می شود. کودکان از پشت بام ها سربازان را سنگ باران می کنند. در این گیر و دار زنان بسیاری گرد علما را می گیرند تا آن ها را از گزند محفوظ بدارند. نتیجه ی این برخورد حدود صد کشته بود. مردم دوباره به مسجد بر می گردند و فردای آن روز بست نشینان آهنگ حضرت عبدالعظیم می کنند. زنان در جاهای مختلف دست به اعتراض می زدند. به گفته ی فرصت الدوله ی شیرازی: «خودم دیدم زنی مقنعه ی خود را بر سر چوبی کرده بود و فریاد می کرد که بعد از این دختران شما را مسیو نوژ باید عقد نماید و الا دیگر علما نداریم».^۲

زنان از عزم کوچ سیاسی بست نشینان به حضرت عبدالعظیم نهایت بهره برداری را می کردند. بسیاری از آنان با حالت گروهی و کفن پوشان، ضمن سینه زنی و نوحه سرایی، سربازان را به باد دشنام می گرفتند و در بازارها به راه می افتادند. دولت، سپاهییانی به محل می فرستد تا از تعطیلی مغازه ها به دست مردم جلوگیری نماید، اما کاری از پیش نبرد.^۳

در حرم حضرت عبدالعظیم، زنان به بست نشینان یاری می رساندند. امیر بهادر از طرف دولت مامور رفتن به آنجا می شود، عده ای از سربازان مسلح خود را در اطراف صحن محل سکونت بست نشینان مستقر می سازد. آنان در حالیکه تفنگ خود را به سمت مردم نشانه رفته بودند، آماده ایستادند.

۱. همان، ص ۴۶.

۲. حافظیان، زنان و انقلاب (داستان ناگفته)، ص ۱۴۰.

۳. همان، ص ۱۴۵.

شوند و تعرضی به آنان داشته باشند. حرمت و عفاف شان نیز مورد نظر بود. کوچکترین تعرض به آنان می توانست باعث تحریک و خشم مردان شود. اگر هم نیروی دولتی به زنان حمله می بردند، این ننگ همواره بر آنان باقی می ماند که به ضعیف ها هجوم آوردند. این دلایل سبب شد که زنان نه تنها در این اعتراض، بلکه در اعتراضات بعدی دوران قاجار پیش قدم باشند و با آزادی عمل بیشتری به فعالیت بپردازند.^۱

زنان با حضور در صحنه های سیاسی همچون جنبش تنباکو، پشتوانه ی محکمی برای مردان در مقاومت و پایداری بودند که بسیار حائز اهمیت بود.

ج) واکنش زنان در برابر کشف حجاب

محدوده حجاب زن در مقابل نامحرم پوشش تمام بدن به جز صورت و دست ها تا مچ است. شواهد متعددی از قرآن کریم حاکی از این نکته است که در جامعه عرب قبل از اسلام، زنان برای حضور در اجتماع، پوشش مناسب و مطلوبی نداشتند و قرآن در این باره می فرماید:

«وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ ... وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ»^۲؛ به زنان مؤمن بگو زینتشان را آشکار نکنند مگر آنچه از آن آشکار است. و باید روسری هایشان را بر گریبان هایشان فروبندازند و زینتشان را آشکار نکنند.»

از آنجا که چگونگی پوشش زنان در جامعه صدر اسلام به گونه ای نبود که زیبایی ها و زینت های آنان را بپوشاند. قرآن آنان را به نحوه صحیح پوشش دستور می دهد. خداوند متعال به منظور حفظ عفت جامعه، حتی زنان مسلمان را، از نمایان کردن بدن خود بر زنان غیر مؤمن نهی می کند. در روایات علت این امر، بی مبالاتی زنان غیر مؤمن در توصیف زنان مسلمان برای شوهران خود دانسته شده است.^۳

در مقابله با آیات حجاب و حجاب بانوان در سال ۱۳۰۷ ش «قانون متحدالشکل نمودن البسه اتباع ایران در داخل مملکت» در ادارات به تصویب مجلس شورای ملی رسید و به دنبال آن پس از تصویب به همگان ابلاغ شد که در ادامه همین حرکت که مقدمات کشف حجاب مهیا شد. بعد از

۱. خداداد لزرجانی، همان، ص ۹۵.

۲. نور: ۳۱.

۳. روایتی از امام صادق علیه السلام که فرمودند: «لَا يَنْبَغِي لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَنْكَشِفَ بَيْنَ يَدَيِ الْيَهُودِيَّةِ وَ النَّصْرَانِيَّةِ، فَإِنَّهُنَّ يَصِفْنَ ذَلِكَ لِأَزْوَاجِهِنَّ»

مدتی خبر اعلام رسمی کشف حجاب، اگر چه با توجه به این زمینه سازی ها که شده بود، چندان هم غیر منتظره نبود، اما خبر منع حجاب بسیار غیر منتظره بود. این قضیه مربوط به عرض و ناموس خانواده ها می شد و از این رو مردان و زنان نسبت به آن واکنش نشان دادند.^۱

واکنش ها هنگامی اوج گرفت که حجاب ممنوع و کشف حجاب اجباری شد و بخش نامه کشف حجاب بر خلاف قانون اتحاد شکل البسه که هشت طبقه را مستثنی کرده بود برای هیچ کس استثنایی قائل نشد.^۲ واکنش زنان در برابر کشف حجاب بسته به طبقه ی اجتماعی آنان متفاوت بود و زنان اشراف و رجال درباری اگرچه اکثرا، در ۱۷ دی ماه ۱۳۱۴ به رفع حجاب پرداختند؛ اما در فراهم آوردن زمینه کشف حجاب و یا پیشبرد آن، در مقایسه با زنان روشنفکر و تحصیلکرده که با نظام جدید آموزشی و سیر تجددگرایی ارتباط بیشتری داشتند، فعالیت چشمگیری نکردند. در حقیقت برای آنان مسئله ی حجاب، از بعد تجددگرایی مطرح نبود؛ بلکه بیشتر برای حفظ موقعیت سیاسی-اداری همسرانشان، رفع حجاب کردند و از طرفداران پرو یا قرص این طرح شدند.^۳

در مقابل این دو دسته، زنان سایر طبقات شهری قرار داشتند که واکنش آن ها اکثرا در برابر کشف حجاب منفی بود. انگیزه ی مذهبی و سنتی قوی در بین آن ها، قرار گرفتن در محیط های بسته و دور بودن از متن جریانات تجددگرایی و زندگی مدرن، آن ها را به عکس العمل منفی در مقابل طرح واداشت.^۴

از آنجایی که زنان سایر طبقات شهری، پیوستگی بیشتری با مذهب و سنت های اجتماعی داشتند؛ در برابر کشف حجاب از خود واکنش نشان دادند و حتی زنان کارمندان جزء اداری، در بسیاری از مواقع از خود عکس العمل نشان می دادند و به بهانه های مختلفی چون تمارض از شرکت در جشن ها و میهمانی ها سر باز می زدند.^۵

زنان دیگر طبقات در سطح وسیع تری نسبت به این قضیه عکس العمل نشان دادند و خصوصا در ابتدای امر، حاضر به ترک چادر نشدند. به همین علت پلیس نیز ماموریت داشت با شدت هر چه بیشتر با آنان برخورد نماید به طوری که چادر از سر زنان بر می داشت و به ضرب و جرح آنان می

۱. طغرانگار، حقوق سیاسی اجتماعی زنان قبل و بعد از انقلاب، ص ۱۴۴.

۲. همان، ص ۱۴۵.

۳. موسسه فرهنگی قدرولایت، حکایت کشف حجاب، ص ۲۷.

۴. جعفریان، داستان حجاب در ایران پیش از انقلاب، ص ۱۱۲.

۵. موسسه فرهنگی قدرولایت، همان، ص ۱۰.

پرداخت.^۱ در مقابل، زنان سعی می کردند از رفت و آمد در کوچه ها و خیابان ها جز به وقت ضرورت خودداری نمایند مثلاً در مشهد با برداشته شدن چادر در خانه های مشهد تغییر تازه ای روی داد و آن این بود که خانواده های متدین در منزل خود حمام ساختند تا زنان مجبور نباشند حتی برای حمام رفتن از خانه خارج شوند.^۲

در میان آنان، زنانی بودند که تا شهریور ۱۳۲۰ از خانه خارج نشده و حاضر نبودند در اجتماعی که می بایستی حجابحضور یابند، وارد شوند.^۳

مهمترین رویدادی که در این دوران، روی می دهد حادثه ی مسجد گوهرشاد در مشهد در سال ۱۳۱۴ می باشد.^۴ در اعتراض به کشف حجاب از سوی رضاخان گروه بسیاری از زنان و مردان در مشهد، در تظاهراتی شرکت می کنند که با دخالت پلیس به خشونت کشیده می شود و در طی آن رویداد عده ی بسیاری از زنان به شهادت می رسند. این حادثه نشانگر مخالفت زنان با تحمیل شیوه زندگی آنان از بالا و به گونه ای زورمندانه می باشد؛ البته این اعتراض با شدت سرکوب شد ولی در تاریخ مبارزات زنان به صورت یک نقطه ی عطف باقی ماند.^۵

حضور پر شور زنان در مقابله با فرمان کشف حجاب، تاثیر موثری در رخدادهای سیاسی آن زمان داشت و زنان با حضور در صحنه جای پای خود را در سیاست محکم نمودند.

۱. زیبایی نژاد، سبحانی، درآمدی بر شخصیت زن در اسلام، ص ۱۶۰.

۲. همان، ص ۱۶۱.

۳. حافظیان، همان، ص ۱۶۵.

۴. نوری همدانی، جایگاه زن در اسلام، ص ۳۷۰.

۵. حافظیان، همان، ص ۶۰.

نتیجه‌گیری

زنان مسلمان ایرانی در تحولات بزرگی مانند جنبش تنباکو و انقلاب مشروطه و نیز قائله ی کشف حجاب حضور فیزیکی چشمگیری داشتند که بیشتر زنان عادی و مقلد جامعه بودند.

اهمیت این مقاله از این نظر است که به بیان همزمان حوادث سیاسی انقلاب مشروطه و نقش آفرینی و تلاش های زنان در آن دوره می پردازد.

مهم ترین جلوه مشارکت فعالانه ی زنان در یکصد سال اخیر و پیش از انقلاب اسلامی، جنبش مشروطیت بود که به بسیج گسترده و توده ای زنان منجر گشت. جنبش مشروطیت جوانه های تحولات بعدی را در زمینه ی آگاهی و دگرگونی خواهی زنان ایرانی به ارمغان آورد.

هرچند با قیام مسجد گوهرشاد نیز فعالیت های سیاسی دهه های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ زنان حضور خویش را در صحنه های سیاسی حفظ کردند، ولیکن تا هنگام آغاز روند انقلاب اسلامی ایران، این گونه فعالیت ها عملاً دچار رکود شده بود.

علت اصلی این رکود را نیز باید در نوع سیاست های حکومت پهلوی به ویژه از سال ۱۳۴۲ به بعد، به طور کلی و نیز سیاست های خاص جنسیتی رژیم شاه در زمینه ی زنان جستجو کرد، اما زنان در پیدایش و شکل گیری انقلاب نقش مهمی را ایفا کردند که ازجمله ی این فعالیت های سیاسی جنبش مشروطه، جنبش تنباکو و کشف حجاب می باشد.

فهرست منابع

* قرآن کریم

کتاب ها

۱. اصفهانی، علی اکبر، فرهنگ و سیاست ایران در عصر تجدد، تهران: بی نا، ۱۳۸۶.
۲. بصری، محسن، ایران دیروز امروز فردا، قم: نشر معارف ۱۳۹۱.
۳. بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران زیر نظر غلام رضا کرباسچی، هفت هزار روز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی، بی جا: بی نا، ۱۳۷۱.
۴. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، مظلومیت زن در طول تاریخ، تهران: زکات علم، ۱۳۷۷.
۵. تیموری، ابراهیم، تحریم تنباکو اولین مقاومت منفی در ایران، تهران: بی نا، ۱۳۶۱.
۶. جعفریان، رسول، داستان حجاب در ایران پیش از انقلاب، تهران: بی نا، ۱۳۸۳.
۷. حافظیان، محمدحسین، زنان و انقلاب (داستان ناگفته)، بی جا: بی نا، ۱۳۸۰.
۸. خداداد لزرجانی، معصومه، نقش زنان در انقلاب مشروطه، بی جا: بی نا، بی تا.
۹. رابرت، گراهام، ایران، سراب قدرت، ترجمه فیروز فیروز نیا، بی جا: نشر سبح، ۱۳۵۸.
۱۰. زیبایی نژاد، محمد رضا، سبحانی، محمدتقی؛ درآمدی بر شخصیت زن در اسلام، قم: مرکز نشر هاجر، ۱۳۷۹.
۱۱. شیروانی، مرتضی، نقش سیاسی اجتماعی زنان در تاریخ معاصر ایران، بی جا: زمزم هدایت، چاپ دوم، ۱۳۹۱.
۱۲. طغرانگار، حسن، حقوق سیاسی، اجتماعی زنان قبل و بعد از انقلاب، تهران مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸.
۱۳. معین، محمد، فرهنگ معین، چاپ چهارم، بی جا: انتشارات زرین، ۱۳۸۲.
۱۴. موسسه فرهنگی قدر ولایت، حکایت کشف حجاب، بی جا: بی تا، ۱۳۷۳.
۱۵. نوری همدانی، حسین، جایگاه زن در اسلام، بی جا: انتشارات مهدی موعود، بی تا.
۱۶. الویری، محسن، دانشنامه جهان اسلام، تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی، ۱۳۸۰.

مقالات

۱۷. ارشدی، مریم، نشریه زنان و شش دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی، ویژه نامه پیام زن، دفتر سوم، فروردین ۱۳۸۴.
۱۸. رستگاری، لیلیا، پژوهشنامه تاریخ مطبوعات ایران، روزنامه نگاری زنان، ۱۳۷۶.